

شادباش سال نو میلادی

حزب توده ایران، فرارسیدن سال ۲۰۰۲ را به هم میهنان مسیحی تبریک می گوید، و امیدوارست که سال ۲۰۰۲ سالی سرشار از موفقیت و پیروزی در سازمان دهی جنبش مردمی برای دفاع از دست آوردهای جنبش و بر ضد ارتجاع و استبداد حاکم باشد.

است و تعدادی از نمایندگان را تحت عنوان «جماعت آلوده» نام برده اند. در پرونده شهرام جزایری اسامی ۶۰ تن از نمایندگان اصلاح طلب مجلس تحت

ادامه در صفحه ۲

پرونده سازی چماق داران مطبوعاتی رژیم

به دنبال پرونده سازی روزنامه منفور کیهان و سخنان بهزاد نبوی در باره این پروژه جدید، گوشه هایی خطرناک از اقدامات حساب شده ذوب شدگان در ولایت بر ضد جنبش مردمی آشکار گردید. رژیم ولایت فقیه با سرکوب گام به گام نیروهای «غیر خودی» شامل دانشجویان، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی واقعا طرفدار اصلاحات و نیروهای وابسته به نهضت آزادی و ملی - مذهبی ها هم اکنون دورخیز حساب شده خویش برای سرکوب نیروهای «خودی» که حاضر به تمکین در برابر آنها نشده اند، شروع کرده اند. جار و جنجال گسترده ای که به طور همزمان توسط شخصیت ها و بلندگوهای تبلیغاتی جناح حکومتی طرفدار سرکوب از چندی پیش به بهانه مبارزه با مفاسد اقتصادی اوج بی سابقه بی یافت را کمتر نیروی سیاسی باور داشت. به گزارش ایسنا، ۱۲ دی ماه، بهزاد نبوی در سخنانی که در مجلس ایراد کرد در این باره گفت: «در یکی از روزنامه های عصر دیروز با تیتر بزرگ از ارتباط ۶۰ نماینده مجلس با مفاسد اقتصادی یاد شده

نامه
مردم
ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۶۲۵، دوره هشتم
سال هجدهم، ۱۸ دی ماه ۱۳۸۰

به مناسبت شصتمین سالگرد حزب توده ایران

منتشر شد



کتاب «انقلاب ناتمام» نوشته رفیق شهید رحمان هاتقی (مهرگان) درباره بررسی زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انقلاب مشروطیت منتشر شد.

از میهن دربند به ما می نویسند

«خانه کارگر» و مبارزه بر ضد جهانی شدن!

بر اساس خبرهای رسیده نماینده فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، در ماه های گذشته سفرهایی به ایران داشته است که یکی از محورهای مذاکرات انجام گرفته با «خانه کارگر»، خواست موضع گیری روشن «خانه کارگر»، درباره مسایل روز و خصوصاً مبارزه کارگران در سطح جهان بر ضد سیاست های نولیبرالی بود. زیر همین فشارها اطلاعیه بی در سطح محدود، از سوی «خانه کارگر» منتشر شد که متن آن فراخوانی برای برگزاری تظاهرات بر ضد نشست سازمان تجارت جهانی در دوحه بود (گزارش مفصل این نشست در شماره ۶۲۴ نامه مردم انتشار یافت). در این

بقیه در صفحه ۴

تأملی بر تاکتیک ها و استراتژی نیروهای ضد اصلاحات

اوضاع بحرانی و به شدت حساس کشور هر روز با رویدادی تازه در بحران تازه ای در می غلتد و برخورد و درگیری روزانه نهادها و دستگاه های مختلف با اهداف گوناگون رژیم را با بحرانی فزاینده و خطرناک روبه رو کرده است. جنتی، سخنگوی ارتجاع، در جریان نماز جمعه بی رونق این هفته ضمن هشدارباش درباره سرنوشت «نظام»، که باید آن را هشدار به محمد خاتمی نیز دانست از جمله گفت: «شرم آور است که چهار آدم نفهم آبروی مملکت را ببرند... عده ای که نمی خواهند این کشور آباد شود، به دنبال ترویج فساد در کشور هستند تا به دنیا بگویند که حکومت اسلامی قدرت اداره کشور را ندارد، این افراد دلشان نمی خواهد قضیه مبارزه با مفاسد اقتصادی به ثمر برسد...» و نتیجه گیری اینکه: «از تاریخ گذشته و حال عبرت بگیریم. از آرژانتین که ظرف چند روز ۵ - ۴ رئیس جمهور عوض کرده عبرت بگیریم...» و البته پیش از او مصباح زدی، که باید او را سخنگوی تفکر طالبان در ایران معرفی کرد، در جریان سخنان پیش از نماز جمعه دولت ها را به دو دسته «دولت های انسانی و حیوانی» که لابد دولت خاتمی از نوع «حیوانی» آن است تقسیم کرده بود.

همچنین در خبرها آمده بود که در چند روز گذشته سران سه قوه برای بررسی مشکلات با حضور رئیس مجمع تشخیص مصلحت دیداری داشته اند و مسایل کشور را بررسی کرده اند. همچنین در روزهای گذشته افزون بر تشدید روند پرونده سازی های منجر کننده روزنامه «کیهان» در مقام ارگان چماق داران و قمه کشان «ولی فقیه» بر ضد ۶۰ نماینده مجلس و متهم کردن آنان به اختلاس اقتصادی و لذا ضرورت به محاکمه کشیده شدن آنان، نماینده همدان، لقمانیان بدون اطلاع مجلس دستگیر و روانه زندان شد، بیدادگاه های رژیم به محاکمات پشت درهای بسته نیروهای ملی - مذهبی ادامه دادند و بر اساس آخرین گزارش ها حکم «ارتداد» را برای تقی رحمانی، یکی از زندانیان ملی - مذهبی، صادر کردند که در صورت تصویب مجازات اعدام در پی خواهد داشت. بررسی مجموعه خبری بالا در کنار حوادث دیگری که در هفته های گذشته، در زمینه تشدید فشار بر ضد جنبش اصلاحات رخ داده است تصویر روشن تری از استراتژی و تاکتیک های مدافعان رژیم استبدادی حاضر به دست می دهد.

استراتژی سران مرتجع رژیم از همان فردای پیروزی بزرگ مردم در دوم خرداد ۱۳۷۶ روشن بوده است. حفظ «نظام» حاکم با توسل به هر شیوه و وسیله بی. سران مرتجع رژیم، خصوصاً باند خامنه ای - رفسنجانی برای تحقق این استراتژی تاکتیک های گوناگونی را به کار گرفته اند که بررسی مختصر آنها به قصد یافتن راه کارهای مناسب برای مقابله با آنها ضروری است. برای سران رژیم حتی پیش از برگزاری انتخابات ۱۸ خرداد روشن شده بود که جنبش اصلاح طلبی به دلیل ریشه های عمیق اجتماعی آن هر روز ابعاد گسترده تری به خود خواهد گرفت و در صورت ادامه و سرکوب شدن می تواند در بسیج و عملکرد توده های مردم به ایجاد چنان

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

فعالیت مجدد باندهای جنایتکار و ترور رژیم

ادامهٔ پرونده سازی چماق داران ...

با اینکه از ناپدید شدن سیامک پورزند مدت تقریباً زیادی می‌گذرد و تمامی شواهد انکار ناپذیر حاکی از دستگیری وی توسط باندهای جنایت کار رژیم ولایت فقیه است، تاکنون هیچ گونه اطلاعیه رسمی مبنی بر دستگیری او توسط مقامات رسمی رژیم انتشار نیافته است. روند دستگیری و ناپدید شدن سیامک پورزند در حالی ادامه دارد که خبرهای نگران کننده ای از فعالیت مجدد باند جنایت کاری که وظیفه اش سر به نیست کردن فعالان سیاسی مخالف رژیم ولایت فقیه است با اظهارات اخیر محسن میردامادی نگرانی های جدی را در میان نیروهای مترقی برانگیخت. میردامادی در این زمینه گفت: «از همان زمان که قتل های زنجیره ای به وقوع پیوست و عوامل آن شناخته شدند، این نگرانی جدی وجود داشت و مکرر اظهار شد که اگر با غده سرطانی به صورت ریشه ای برخورد نکرد، می تواند پس از مدتی خود را مجدداً در جای دیگری بازسازی نماید و ضربات جدی دیگری بر نظام وارد سازد. متأسفانه الان شواهدی وجود دارد و اتفاقاتی در جامعه در حال رخ دادن است که نشان می دهد این ستاد به بازسازی خود پرداخته و از حالت کمای پس از آن ضربه خارج شده است.» (آفتاب یزد، ۱۵ دی ماه) میردامادی همچنین گفت: «در حال حاضر اتفاقاتی در کشور می افتد یا خبرهایی منتشر می شود که هیچ مرجع قانونی در قبال آن پاسخگو نیست و این بسیار نگران کننده است.» وی با اشاره به سفر خود به ایرلند گفت: «در آنجا اطلاع یافتیم رسانه های خارجی و جامعه حقوق بشر اعلام کردند فردی به نام سیامک پورزند در ایران مفقود یا روده شده است. پس از مراجعت به ایران و پیگیری مسئله مطلع شدم که خانواده وی بیش از یک ماه است که از او بی اطلاعند و هیچ مرجع رسمی کشور نیز اعلام نمی کند که وی کجاست.» میردامادی در این مصاحبه به مواردی مشابه دیگری همچون نمونه سیامک پورزند نیز اشاره داشته است. خانم مهرانگیز کار همسر سیامک پورزند در مصاحبه بی با «شهروند» چاپ کانادا اظهار داشت که هفته ها از ناپدید شدن همسرش می گذرد و آنها هیچ اطلاعی از هیچ منبع رسمی در این رابطه دریافت نکرده اند. بنا بر گزارش «شهروند»، طی هفته های پیش از دستگیری سیامک پورزند، یکی از همکاران وی هر بار به مدت چندین ساعت روده شده و تحت فشارهای بسیاری از وی خواسته می شود تا به داشتن رابطه نامشروع با سیامک پورزند اعتراف کند. دختر سیامک پورزند نیز در این باره می گوید: «تقریباً ۴۰ روز پیش پدرم در حوالی عباس آباد تهران وقتی که برای مشایعت دوستی به خانه عمه ام رفته بود، پس از خروج از خانه ناپدید شده و تاکنون از او خبری دریافت نکرده ایم. حتی نمی دانیم که او زنده است یا خیر. از منابع غیر رسمی شنیده ایم که او در یک پادگان به سر می برد و اما نام های مختلفی برای این پادگان گفته می شود. پس از چهل روز تنها چیزی که ما به طور غیر رسمی شنیده ایم همان است که گفتم و این سبب نگرانی روزافزون ما شده است تا جایی که اکنون حتی در زنده بودن وی نیز تردید داریم.»

خبرهای نگران کننده در مورد وضعیت سیامک پورزند و اظهارات اخیر میردامادی جای هیچ گونه شکی باقی نمی گذارد که رژیم ولایت فقیه پروژه حذف مخالفان از طریق شیوه های وحشیانه و گسترش جو رعب و وحشت در میان فعالان سیاسی مخالف خویش را همچنان در دستور جدی کار قرار داده است. یدالله اسلامی مدیر مسئول نشریه توقیف شده «فتح» با اشاره به نکته مهمی در این باره با ایسنا، ۱۵ دی ماه گفت: «از آنجا که آقای میردامادی در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به بخش عمده ای از اطلاعات دسترسی دارد هشدار او نسبت به فعال شدن ستاد قتل های زنجیره ای باید کاملاً جدی تلقی کرد و به آن پرداخت.» در تایید سخنان اسلامی باید گفت که در جریان قتل های زنجیره ای اصلاح طلبان حکومتی بارها با قاطعیت اعلام کردند که چنین قتل هایی دیگر اتفاق نمی افتد. اعترافات اخیر میردامادی نشان داد خوشبینی و بی عملی اصلاح طلبان حکومتی نسبت به این موضوع خسارات سنگینی را نصیب جنبش مردمی کرده است تا جایی که باند مذکور گستاخانه در صدد اجرای دوباره چنین شیوه های وحشیانه می باشد. اما مسئله مهم این است که مسلمانان تنها میردامادی بلکه بسیاری دیگر از اصلاح طلبان حکومتی به طور حتم اطلاع زیادی از وجود و چگونگی عملکرد این باند جنایت کار دارند. آنها به طور حتم مطلع هستند در راس این عملیات جنایتکارانه چه نیروها و افرادی چطور و چگونه عمل می کنند. با توجه به حساسیت اوضاع سیاسی و احتمال از سرگیری قتل دگر اندیشان هرگونه عملیاتی مشابه قتل های زنجیره ای مسئولیت سنگینی را بر دوش جناح حکومتی طرفدار اصلاح می گذارد. هرگونه سر به نیست کردن، به قتل رساندن و ناپدید کردن دگر اندیشان توسط رژیم ولایت فقیه، اصلاح طلبان حکومتی و دولت محمد خاتمی را در آن شریک می سازد. نیروهای حکومتی که مسلماً در این باره اطلاعات کامل و مستندی دارند باید با افشای این جنایت کاران راه را بر هرگونه اقدام وحشیانه دیگر مسدود کنند. وظیفه نیروهای مترقی نیز در این باره دوچندان است. کارزار داخلی و بین المللی، با توسل به شیوه های توده ای، راه را بر هرگونه اقدام جنایت کاران مسدود خواهد کرد.

عنوان مفساد اقتصادی آورده شده است. گویا برنامه این است که پرونده فردی به نام شهرام جزایری که متهم به فساد مالی است رسیدگی گردد و وی در اعترافاتش بگوید که به ۶۰ نماینده مجلس رشوه داده است. با این کار می خواهند با ساز و دهل، تظاهراتی بر ضد مجلس انجام دهند.» البته در این میان روزنامه معلوم الحال کیهان تنها نبود و روزنامه رسالت در شماره روز چهارشنبه ۱۲ دی ماه خویش، با تیتر بزرگ «از بستنی فروشی تا رویال بانک کانادا»، به تشریح پرونده شهرام جزایری پرداخته است. محتوای اصلی نوشته های روزنامه رسالت همچون کیهان، حمله به اصلاح طلبان حکومتی که عمدتاً در مجلس حضور دارند می باشند. این روزنامه از قول نبوی می نویسد: «شنیدید جوانی پیدا شده به نام شهرام خان که از حافظه و هوش خدادادی خود سوء استفاده کرده و بساط گسترده فساد را پهن کرده و مبالغ هنگفتی را سوء استفاده کرده و شروع کرده برای اینکه مصنوعیتی هم برای خودش پیدا کند، از آن نوع مصنوعیتی که امروز بعضی نمایندگان متخلف دنبال آن هستند رفته با همین کسانی که در جاهای مختلف نفوذ سیاسی هم دارند پیوند برقرار کرده است، حال اگر قوه قضاییه بخواهد این پرونده را بررسی کند باید بیایند بر ضد قوه قضاییه لشکر کشی کنند؟» افشاگری بهزاد نبوی در حالی صورت گرفت که روزنامه حیات نو، ۱۱ دی ماه در تیتر درشت صفحه اول خود خبر «توقف اجرای حکم زندان نمایندگان» توسط کمیته مشترک مجلس و قوه قضاییه را داد. چنین شبه افکنی البته برای اولین بار نیست که صورت می گیرد اما همزمانی این خبر با پرونده سازی روزنامه کیهان نشان دهنده این واقعیت است که نیروهایی در درون اصلاح طلبان حکومتی به عمد یا غیر عمد بر این طبل خوشباموری می کوبند که مسایل اخیر در مذاکرات بین سران سه قوه قابل حل و بررسی است. بیهوده نبود که هاشمی شاهرودی هم همصدا با چنین افرادی با اشاره به مشکلات به وجود آمده میان دو قوه از نمایندگان قوای قضاییه و مقننه دعوت کرد که اختلاف را در خاستگاه آن خشکانده و از بروز آن پیشگیری کنند. شاهرودی گفت: «مدیران قضایی و نمایندگان مجلس باید عده ای معدود [منظور همان ۶۰ نماینده مذکور می باشد] و اختلاف افکن را از خود دور کنند.» (حیات نو، ۱۱ دی ماه) سیاست سیلی و نوازش بر ضد «نیروهای خودی» قسمتی از سیاست گام به گام سرکوب می باشد که در پناه آن اقدامات سرکوب گرانه بدون اینکه در جبهه ای گسترده پیاده شود به اهداف نهایی خود نزدیک گردد. صحبت های خامنه ای، محتوای خطبه های امامان جمعه در اقصی نقاط کشور و مقالات روزنامه های معلوم الحال که در هماهنگی کامل همکاری می کنند، مبنی بر عدم تضعیف قوا و دست نوازش و حمایت از قوای مذکور، ترفندی شناخته شده برای کاستن فشارها از پس هر موج سرکوب گری می باشد. اقدامات تشدید یافته سرکوب گران بر ضد جنبش مردمی، دارای یک حقیقت انکار ناپذیر است. وضعیت سیاسی و اقتصادی رژیم ولایت فقیه در شرایطی نیست که ادامه چنین مناقشات سیاسی را در دراز مدت تحمل کند. رژیم ولایت فقیه مصمم است با سرکوب هر نیرو و صدای مخالف چنین وضعیتی را خاتمه ببخشد. از این رو تغییر و تحولات سیاسی در میهنمان در آینده نزدیک نباید مورد تعجب قرار بگیرد. اما اینکه چنین تغییر و تحولاتی به کدامین سو پیش می رود سوالی است که باید با واقعیت های جاری میهنمان مورد ارزیابی قرار گیرد. ما بارها اعلام کرده ایم جنبش مردمی دارای پتانسیل بسیار بالایی است که خارج از اراده هر نیروی سیاسی قرار دارد. رژیم ولایت فقیه با استفاده از خلاء تاکنونی موفق گردیده این جنبش را مهار کند و این به دلیل عدم وجود سازمان دهی توده ای در عرصه های مختلف بوده است. جنبش مردمی هیچ راهی به جز آزاد سازی و سازمان دهی این نیرو ندارد. اینکه چنین پتانسیلی چگونه می تواند در اختیار جنبش مردمی قرار بگیرد و سازمان دهی شود باید در دستور کار نیروهای مترقی و طرفداران واقعی اصلاحات بنیادین قرار بگیرد.

اتهامات جدید، بازداشت های جدید

هفته گذشته، خانواده های ملی - مذهبی ها به مدت دو ساعت در مقابل درب دادگستری کل استان تهران اجتماع کردند. در این تجمع، آنها خواستار علنی بودن دادگاه نیروهای ملی - مذهبی که قرار است در تاریخ ۱۸ دی ماه برگزار شود، گردیدند. همچنین خانواده ها از علیزاده، رئیس دادگستری تهران، تقاضای ملاقات و یا حضور در جمع را نمودند ولی وی حاضر به ملاقات با خانواده ها نشد. از طرف قوه قضاییه دستور داده شد که از جمعیت فیلم برداری کنند که جمعیت با دیدن دوربین، از خود عکس العمل نشان داده و به عنوان اعتراض پشت به دوربین قرار گرفتند. خبرنگار صدا و سیما هم به منظور مصاحبه با خانواده ها در بین جمع حضور یافت ولی هیچ یک از افراد شرکت کننده در این تجمع حاضر نشدند به مصاحبه با این خبرنگار بپردازند به دلیل این که آن را یکی از ارگان های جناح راست تمامیت خواه می دانند. در این تجمع اعتراضی، خانواده ها بر روی پلاکاردها خواسته های خود را منعکس کردند. بر روی برخی از پلاکاردها این شعارها به چشم می خوردند: آزادی زندانی سیاسی - سحابی، ۱۳ ماه انفرادی - تعهد «سکوت» از وکلا؟! - تفتیش عقاید در زندان نظامی! - اتهامات علنی، دادگاه غیر علنی؟! - تحقیقات مقدماتی ۱۳ ماهه! - زندانی غیر نظامی در زندان نظامیان! - اظهارات تحت فشار روحی بی اعتبار است.

با نزدیک شدن تاریخ برگزاری دادگاه نیروهای ملی - مذهبی، جوسازی مجریان پروژه حذف ملی مذهبی ها - بازجوها، قاضی پرونده و رسانه های خبری مرتبط با شبکه پرونده سازان در درون و بیرون زندان بر ضد ملی -

ادامه وقتی قانون پایمال ...

نیروهای هوادار صلح و عدالت، از جمله حزب ما می باشد. ما بطور جدی و قاطعانه این سیاست را محکوم کرده، در مقابل جنگ افروزی به مخالفت برخوایم خاست. یکی از موارد بسیار مهمی که اینک ما شاهد آن هستیم، فعالیت پرتب و تاب سازمان های اطلاعاتی است. بطور مثال در روزنامه BERLINSKE WEEKND به تاریخ ۵ اکتبر، از سوی نمایندگان پلیس امنیتی (PET) اعلام می شود: « البته که مهم است. PET عرب زبان هایی را دارد که در محافل مختلف از نماز جمعه، مساجد و غیره، مسلمان ها را زیر نظر دارد.... ما اشخاصی را در خدمت داریم که در همه جا حضور دارند و آنها (اعراب و مسلمان ها) را در هنگام کار در مغازه های خود کنترل می کنند.» لازم است متذکر شویم که هیچ منبع رسمی و قانونی این مطالب

مذهبی ها ابعاد تازه و خطرناکی به خود گرفته است. بنا به خبرهای موثق دریافتی، طرح اتهامات ایدئولوژیک به ویژه اتهام «ارتداد» به طور جدی از سوی دست اندرکاران پرونده ملی مذهبی ها دنبال می شود. در این رابطه گفته می شود هفته گذشته قاضی حداد، حدود ۲۶ صفحه بازجویی تقی رحمانی را به وی برای مطالعه داده است. در این ۲۶ صفحه ۸ مورد اتهام بر ضد وی قید شده است. در این اتهامات مسئله «ارتداد» نیز صریحاً ذکر شده است. قاضی حداد به تقی رحمانی گفته است: «جرم تو بسیار سنگین است!» طراحان پروژه حذف ملی مذهبی ها در آغاز اتهام براندازی و اقدام بر ضد امنیت ملی را بر ضد دستگیر شدگان مطرح کرده بودند اما چون بی اساس بودن این اتهامات بسیار واضح بود از راه دیگری نیز وارد شده اند. طرح اتهام ارتداد بی شک اقدام دیگری از سوی مجریان این پروژه مفتضح بر ضد ملی - مذهبی هاست که همانند دیگر اتهامات فاقد هرگونه پایه و مدرکی است. اما، باید این خطر را جدی گرفت و به سادگی از کنار آن نگذشت. (به نقل از سایت ملی - مذهبی ها)

همزمان و در ادامه روند سرکوب های «قانونی» رژیم ولایت فقیه گزارش رسید که، احمد قابل، از طرفداران آیت الله منتظری که اخیر در سخنانی علی خامنه ای ولی فقیه رژیم را مسئول اصلی تمامی اقدامات ضد مردمی دانسته بود، بازداشت و روانه زندان گردید. همسر قابل در این باره گفت: « وقتی با همسر تماس تلفنی گرفته بودند به او گفته بودند که برای یک گفت و گو به دادگاه ویژه روحانیت برو و در نهایت قرار شده بود که آنها به منزل ما بیایند و با او صحبت کنند، اما دیشب با مراجعه به مقابل منزل ما از او خواستند که همراه آنها برود.»

را تا امروز تکذیب نکرده است. ما از شما سوال می کنیم که علت اینکه مجلس گروه تحقیق در باره سازمان های اطلاعاتی را منحل ساخت، چه بود؟ چرا و با کدام مجوز قانونی زمانی که گروه تحقیق به فعالیت مشغول بود، حق نداشت مدارک پلیس امنیتی را بررسی کرده، گزارشی تهیه کند؟... ما در این نامه سرگشاده از شما به عنوان نخست وزیر و نیز از وزارت دادگستری می خواهیم، فعالیت های وسیعی که پلیس امنیتی (PET) در رابطه با تعقیب و مراقبت و کنترل خارجیان ساکن دانمارک، به بهانه مبارزه با تروریسم آغاز کرده است، فوراً متوقف سازید. توجه داشته باشید که، ما در شرایط ویژه ای قرار گرفته ایم. دانمارک زیر فشار کاخ سفید، اقداماتی را مرتکب می شود که بسیار خطرناک است.... باید از تاریخ درس گرفت. امیدواریم به گذشته های تلخ باز نگردیم!

به استقبال شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران



وقایع نگاری یک سده جنبش کارگری و کمونیستی ایران

- ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ - ۶ نفر از افسران عضو حزب توده ایران رفقا: ۱. سرگرد هوایی رحیم بهزاد ۲. سرگرد هوایی ارسطو سروشیان ۳. سروان هوایی اسماعیل محقق زاده ۴. ستوان یکم هوایی منوچهر مختاری ۵. ستوان یکم هوایی حسین مرزوان ۶. ستوان سوم هوایی اسدالله نصیری به فرمان شاه جنایتکار تیرباران شدند.
- ۱۹ مهرماه ۱۳۳۴ - اعلام پیوستن ایران به پیمان امپریالیستی بغداد، از طرف دولت علاء
- آذر ۱۳۳۴ - تصویب قانون جلب و حمایت از سرمایه های خارجی
- ۱۵ بهمن ۱۳۳۴ - ستوان منزوی، عضو سازمان نظامی حزب توده ایران، در جریان خروج از ایران، در بیرون دستگیر و به ایران عودت داده شد. رفیق منزوی زیر شکنجه های وحشیانه ساواک به شهادت رسید.
- ۴ اسفند ۱۳۳۴ - شرکت ایران در پیمان بغداد به تصویب مجلس رسید.
- اول خرداد ۱۳۳۶ - کمیسیون دادگستری مجلس، حزب ایران را به علت همکاری و ائتلاف با حزب توده ایران، در سال ۱۳۲۵، غیر قانونی اعلام کرد.
- ۴ تا ۲۶ تیر ماه ۱۳۳۶ - برگزاری چهارمین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران. این پلنوم حوادث زندگی هشت ساله حزب را مورد بررسی قرار داد و یک سلسله قطعنامه های انتقادی و تحلیلی مهم به تصویب رساند و هیئت اجرایی جدیدی را انتخاب کرد.
- ۱۵ تیر ماه ۱۳۳۶ - رفیق خسرو روزبه پس از یک نبرد یک ساعته با مأموران مسلح شاه دستگیر شد.
- ۶ تا ۱۰ دی ماه ۱۳۳۶ - تشکیل کنفرانس همبستگی ملل آسیا و آفریقا در شهر قاهره در مصر.
- آذر ماه ۱۳۳۶ - آغاز کار رادیو پیک ایران.
- اسفند ۱۳۳۶ - رفیق ابوالقاسم لاهوتی، شاعر بزرگ ایران، در سن هفتاد سالگی، در مسکو درگذشت.
- ۲۳ فروردین ماه ۱۳۳۷ - ۱۲ هزار راننده تاکسی در تهران دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب نخستین تظاهرات بزرگ بر ضد رژیم کودتا بود.

ادامه در شماره بعدی «نامه مردم»

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

ادامه از میهن دریند به ما می نویسند ...

اطلاعیه مخدوش و ناروشن از جمله قید شده بود که بر اساس توافق با سران اتحادیه های کارگری جهان ما همراه با دانشجویان و دیگر نهادهای مدنی در این تظاهرات و گردهمایی شرکت می کنیم. روز جمعه ۱۸ آذر ماه، وزارت کشور از برگزاری این تظاهرات و گردهمایی ممانعت به عمل آورد و خبر این ممانعت در جایی نیز منعکس نشد. «خانه کارگر» نیز به این ممانعت هیچ گونه اعتراضی نکرد، معذالک در تجمعی که حدود ساعت ۱۱ صبح در حوالی دانشگاه برگزار شد، صدها تن از کارگران جمع شده بودند و محبوب سخنرانی کرد. و در سخنان خود به هنگامی که در انتقاد از خصوصی سازی مطالبی را عنوان کرد، کارگری از میان جمعیت با صدای بلند گفت: «مگر شما مخالف خصوصی سازی هستی؟ پس این خصوصی سازی ها را در طول ۱۳ سال گذشته که کرده است؟ مگر نه آن که آقای محبوب شما همواره از آن طرفداری کرده اید؟» کارگران در اعتراض به محبوب می پرسند چرا متن اعلامیه اتحادیه های کارگری جهانی را در اختیار کارگران قرار نداده اند و در فراخوان «خانه کارگر» نیز نامی از «اتحادیه جهانی کارگران» برده نشده است. کارگر دیگری اعتراض می کند که چرا در مقابل ممانعت وزارت کشور اعتراض نکردید و در عوض این جلسه را نزدیک ساعت نماز جمعه به این شکل برگزار کردید. در پایان سخنرانی محبوب از حاضران می خواهد به سوی نماز جمعه بروند. کارگران با شعار «کارگران! اتحاد، اتحاد!» به راه می افتند و آن را تبدیل به یک راه پیمایی می کنند. حضور کارگران شادان پور و جامکو که از ساعت ۸ صبح با پلاکارد: «آن که نان می دزد، آزادی را می دزد» چشمگیر بود. در هنگام راه پیمایی کارگران از محبوب می پرسند: آقای محبوب خوب بود دزدهای خانگی را هم معرفی می کردید. کارگری جواب می دهد مگر نمی دانی؟ خامنه ای و دارودسته های حکومتی اش. در طول راه پیمایی زنی با حجاب به میان تظاهر کنندگان می آید و اعلامیه فدراسیون جهانی کارگران را که به فارسی ترجمه شده است پخش می کند. به هنگام رسیدن به در ورودی نماز جمعه تنها سه چهار نفر بدون می روند و بقیه دم در جمع می شوند و نمی گذارند محبوب وارد دانشگاه و محل برگزاری نماز جمعه شود. کارگری نسبتاً مسن جلو محبوب را می گیرد و می گوید این که نشد تو آمدی ما را به نماز جمعه بیاری. بیست سال است نماز جمعه برگزار می شود، چه دردی را از ما دوا کرده است؟. کارگر معترض دیگری با فیش حقوقش نزدیک می شود و می گوید: این فیش حقوق من است با شصت هزار تومان و با چهار فرزند چه می توانم بکنم؟ کارگر دیگری با حالت تحکم جلو می آید و می گوید که حق مسکن ما هزار و دویست تومان است. تو به ما بگو با این مبلغ کدام طویله را برای یک روز می توان اجاره کرد. کارگر زنی با عصیانیت جلو می آید و می گوید که حق خواربار ۸۰ تومن است آیا با این پول می شه نیم کیلو عدس هم خرید؟ مأموران نماز جمعه تلاش می کنند حاضران را متفرق کنند، ولی محبوب می گوید دخالت نکنید ممکن است کار بدتر شود. محبوب در پاسخ کارگران معترض می گوید که من همه این ها را می دانم اما در مجلس به حرف های ما توجه نمی شود. کارگری وارد بحث می شود و می گوید اگر راست میگی بگو که مانع چیست. مسأله این است که تو خودت هم دست در آغوش آنان داری ... ساعت حوالی دو نماز جمعه بی رونق تعطیل می شود و کارگران جلو در وردی نیز دسته دسته پراکنده می شوند...»

اخباری از حرکت های اعتراضی کارگران

■ کارگران پارچه بافی «ایران تافته» به علت عدم دریافت حقوق خویش روز ۶ آذر در جلو کارخانه در حومه چالوس تحصن کردند.

■ ۱۸۰ نفر از کارگران فرش و پتویی تبریز اخراج شده اند و در پی اعتراضات گسترده و به رغم صدور حکم بازگشت به کار از طرف اداره کار، کارفرما آنان را به کارخانه راه نداده است. اکثر کارگران اخراجی، کارگران رسمی با سابقه بیش از ده سال کارند.

■ ۴۷ واحد نساجی در یزد، یعنی معادل ۸۰ درصد صنعت نساجی یزد تعطیل و بقیه نیز در شرف تعطیلی اند. کارخانه های نساجی در این استان نزدیک به نیمی از جمعیت فعال این استان را در بر می گیرد و در صورت بسته شدن این کارخانه ها هزاران نفر به صف بیکاران این استان افزوده خواهد شد. این بسته شدن ها و اخراج ها در چارچوب مصوبه اخیر مجلس صورت گرفته است.

■ ۱۳۰۰ کارگر کارخانه «بارش» اصفهان در اعتراض به وضع حقوقی خود در ۶ آذرماه جاده اصفهان - تهران را مسدود کردند. این تظاهرات با تهاجم

وحشیانه پلیس ضد شورش مواجه شد. تعدادی از کارگران در جریان این یورش دستگیر و روانه بازداشتگاه های رژیم شدند. همچنین شماری از کارگران مبارز در جریان درگیری با پلیس ضد شورش بشدت مجروح شدند.

■ کارگران شرکت «سامیکو صنعت» همدان با مشکلات حقوقی جدی مواجه شده اند. اخیراً در بین این کارگران فرم تعهد نامه یی توزیع شده است تا با امضای آن بپذیرند که تا پایان سال نسبت به تأخیر حقوق تا ۲۰ روز در ماه اعتراضی نداشته باشند. در اعتراض به این عمل غیر انسانی کارفرمایان کارگران حرکت های اعتراضی گوناگونی را سازمان دهی کردند. کارفرما سه تن از کارگران را به اتهام تحریک کارگران به شورش به نیروهای امنیتی معرفی کرد. اما کارگران این شرکت با تهیه طوماری در حمایت از سه کارگر معرفی شده ضمن رد اتهامات مدیریت شرکت حمایت خود را از کارگران معرفی شده اعلام کردند.

■ کارگران تعدادی از واحدهای نساجی مازنداران چندین ماه است که حقوق نگرفته اند. به گفته دریا بیگی، دبیر «خانه کارگر» مازنداران احتمال تشنج در منطقه بسیار است. همچنین ۷۰۰ کارگر کارخانه الکتریک رشت مدت یک سال است به دلیل ساختار تولید بیکارند و از بیمه بیکاری حقوق می گیرند. برغم اعتراضات صورت گرفته و قول های داده شده، پس از گذشت یک سال هنوز تغییری در ساختار تولید صورت نگرفته است.

■ بر خلاف مدعیات سران ریز و درشت رژیم و همچنین شماری از مدعیان اصلاح طلبی، ایران همچنان از بالاترین رقم زندانیان سیاسی برخوردار است. دستگیری های متناوب کارگران و دانشجویان معترض، نیروهای ملی مذهبی و همچنین در جریانات اخیر پس از مسابقات فوتبال سر به هزاران تن می زند. یکی از مسئولان قوه قضائیه، در تهران، پس از برگزاری مسابقه ایران با بحرین اعلام کرد که ۱۲۰۰ پرونده از دستگیر شدگان که عمدتاً زیر ۱۸ سالند تکمیل و پس از صدور حکم تحویل «کانون های اصلاح و تربیت» [منظور شکنجه گاه های مختلف رژیم] خواهند شد. این جوانان بر خلاف ادعاهای رژیم نه برای «اوباشگری» که برای اعتراض سیاسی و شعارهای ضد حکومتی دستگیر شده اند. توجه به وضعیت زندانیان سیاسی و خصوصاً جوانان و تشدید کارزار برای آزادی آنان وظیفه مهمی در اوضاع کنونی است.

ادامه وقتی قانون پایمال ...

مراقبت و شنود مکالمات تلفنی احزاب چپ، نمایندگان مجلس و رهبران اتحادیه های کارگری و برخی از فعالان سیاسی چپ که در دانمارک به عنوان پناهنده زندگی می کنند، از آن جمله اند. در سال ۱۹۹۸ میلادی، احزاب دست راستی با مشارکت سوسیال دموکرات ها گروه تحقیق ویژه ای را که مسئول کنترل قانونی این دو سازمان اطلاعاتی بود، متحل ساختند. این گروه تحقیق، به دنبال رسوایی بزرگ تعقیب و کنترل احزاب مترقی، خصوصاً حزب کمونیست دانمارک، طی سه دهه گذشته، که به طرق مختلف از جمله بکارگیری برخی رهبران و اعضای حزب سوسیال دموکرات صورت گرفته بود، تشکیل شده بود. در حال حاضر نیز رسماً اعلام شده که به منظور تامین امنیت و مقابله با خطرات ناشی از تروریسم باید بسیاری از خارجیان ساکن دانمارک را تحت کنترل و تعقیب و مراقبت قرار داده، به مکالمات آن ها گوش داده و مانع از فعالیت شبکه های تروریستی (شبکه های خیالی) شد.

اکنون دولت و مجلس اعلام می کنند که، فعالیت سازمان های اطلاعاتی تحت نظارت قانونی قرار دارد. ولی هیچکس از این نظارت به اصطلاح قانونی مطلع نیست. باید گفت که در پشت در های بسته نمی توان سخنی از نظارت قانونی به میان آورد.

در پی حوادث تروریستی در آمریکا و پیامد های آن در جهان، دولت دانمارک بار دیگر بر اساس پیام های کاخ سفید برنامه خود را تنظیم می کند. این پیش در آمدی است بر تغییرات گسترده در مجموعه قوانین کشور که زمره های آن به گوش می رسد. در این خصوص رفیق بتی فروترت بیسارک کراسون، صدر حزب کمونیست دانمارک، نامه سرگشاده یی را به نخست وزیر سوسیال دموکرات این کشور ارسال کرده است که در بخش هایی از آن آمده است: ما در حزب کمونیست دانمارک با نگرانی جوانب مختلف عملیات تروریستی ضد انسانی در آمریکا و پیامد های آن که اینک با نظامیگری دولت جورج بوش به خطرات جدی برای صلح و ثبات جهان بدل می شود، دنبال می کنیم. ما در عین حال یاد آور می شوم که، سیاست شما در دفاع بی چون و چرا از اقدامات کاخ سفید و اعلام اینک دانمارک تحت هر شرایطی در کنار آمریکا خواهد بود، سیاستی غیر مسئولانه و زیان بار است. پذیرش این اصل که رئیس جمهوری آمریکا می گوید: «کسانی که با ما نیستند با تروریست ها هستند» از سوی شما و دولت شما مورد مخالفت مردم کشور و همه

فرهنگیان، در رویارویی با ارتجاع حاکم

مبارزات فرهنگیان کشور، آموزگاران، دبیران، مربیان و کارمندان آموزش و پرورش بر ضد سیاست های ضد مردمی رژیم «ولایت فقیه» بخشی از مبارزات جنبش عمومی خلق در راه طرد رژیم «ولایت فقیه» و نیل به عدالت اجتماعی و آزادی است. در ماه های گذشته آموزگاران و دبیران، در مناطق مختلف کشور، مبارزات ستایش برانگیزی را بر ضد سیاست های ضد مردمی رژیم سازمان دهی کرده اند که در زیر خلاصه یی از آنها را برای اطلاع خوانندگان «نامه مردم» درج می کنیم:

در اوایل آذرماه، گروهی از آموزگاران و دبیران مناطق مختلف آموزش و پرورش شهر تهران در اعتراض به سطح پایین دستمزدهای خود و مخالفت با طرح خصوصی سازی مدارس و همچنین بهبود شرایط مسکن، چندین بار دست به گردهمایی و جمع آوری طومار زدند. در دوم آذر ماه ۱۳۸۰، همزمان با اعتراض گروهی از مربیان پرورشی، شمار قابل توجهی از آموزگاران نیز در خیابان قدس تهران، در ضلع شرقی دانشگاه تهران تجمع کردند و خواستار افزایش حقوق و بهبود آموزش و تأمین مسکن برای فرهنگیان شدند. پیش از این ده ها تن از دبیران دبیرستان ها در اعتراض به خصوصی سازی آموزش و پرورش در برابر ساختمان وزارت آموزش و پرورش گرد آمده بودند.

به گزارش روزنامه «آفتاب»، ۲۹ آبان ماه سال جاری، جمعی از آموزگاران شهر گچساران در اعتراض به قطع پرداخت حق محرومیت خود در مقابل ساختمان اداره آموزش و پرورش شهرستان گچساران تحصن کردند. اعتراض آموزگاران به مصوبه هیأت دولت بود که بر اساس آن استان کهگیلویه و بویر احمد از طبقه بندی استان های محروم خارج شده و در نتیجه فرهنگیان این استان از دریافت حق محرومیت، محروم می شوند. اعتصاب آموزگاران این شهر باعث تعطیلی تمام دبستان ها و دبیرستان های این شهر شد.

افزون بر این در استان آذربایجان غربی، در شهرستان خوی، ده ها تن از آموزگاران و دبیران این شهر دست از کار کشیدند و در تاریخ ۷ آذرماه در اعتراض به سطح نازل دستمزدها در مقابل ساختمان اداره آموزش و پرورش این شهرستان تحصن کردند. نماینده آموزگاران اعتصابی در گفت و گو با روزنامه های مجاز رژیم ضمن انتقاد شدید از مصوبه اخیر دولت درباره حق محرومیت ها، خواستار افزایش حقوق فرهنگیان به ویژه در مناطق محروم شد. این اعتصاب در شهر با همبستگی مردم روبه رو شد.

در شهر لاهیجان، در استان گیلان، ده ها تن از آموزگاران نسبت به اقدامات مربیان امور پرورشی در امر تحصیل دانش آموزان و افزایش سطح دستمزد خود، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که در اوایل آذرماه برگزار شد، با قول فرماندار این شهرستان به بررسی درخواست فرهنگیان پایان یافت.

فرهنگیان شهر گرد نیز با طرح خواست های خود، از جمله بهبود وضعیت مسکن دبیران و افزایش دستمزد ها و بهبود شرایط تحصیلی مدارس به مدت دو روز در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهرستان تجمع کردند. تجمع فرهنگیان شهر گرد با حمایت قاطع پر شور دانشجویان دانشگاه این شهر روبه رو شد. دانشجویان با برپایی تحصن در دانشگاه علاوه بر خواست های خود، حمایت خود را از آموزگاران و دبیران اعلام کردند.

در تهران، نیز گزارش های متعددی درباره اعتصاب دبیران حق التدریسی آموزش و پرورش در مقابل وزارت آموزش و پرورش انتشار یافته بود. روز ۲۳ مهرماه گروه بزرگی از دبیران حق التدریسی تهران با برپایی گردهمایی خواستار دریافت حقوق خود و عقد قرار داد رسمی با وزارت آموزش و پرورش شدند. این گردهمایی با دخالت نیروهای انتظامی پایان یافت. در اواخر مهرماه ده ها آموزگار منطقه خوروار استان فارس در اعتراض به حذف این منطقه از لیست مناطق محروم که منجر به حذف این منطقه از جرگه مناطق محروم و نتیجتاً قطع پرداخت حق محرومیت به آموزگاران شد، دست به اعتصاب زدند و مدارس این شهر تعطیل شدند. در شیراز نیز صدها دبیر و آموزگار، در اوایل آبان ماه، دست از کار کشیدند و نسبت به سطح نازل دستمزدها اعتراض کردند. فرهنگیان شیراز طی دو روز اعتراض متوالی در مقابل ساختمان اداره آموزش و پرورش استان فارس تجمع کردند. آنچه در بالا مورد اشاره قرار گرفت، گزارش فشرده یی از مبارزات فرهنگیان شریف و زحمتکش بود که همانند میلیون ها ایرانی دیگر در اثر سیاست های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه با مشکلات بی شمار و ژرف روبه رویند.

۲۱ آذر، سالگرد قیام تاریخی مردم آذربایجان بر ضد محرومیت ملی

۲۱ آذرماه امسال، مصادف بود با پنجاه و ششمین سالروز قیام تاریخی خلق آذربایجان. پنجاه و شش سال پیش، مردم محروم و ستم دیده آذربایجان که از محرومیت عمیق ملی، در کنار ستم طبقاتی هیأت حاکمه ارتجاعی حاکم بر میهن ما رنج می بردند، حکومتی مردمی را برپا کردند. جنبش ۲۱ آذر، از همان آغاز، با مخالفت سرسختانه محافل ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم روبه رو شد، و سرانجام نیز به شکل وحشیانه و بی رحمانه ئی سرکوب گردید. برای ارتجاع و امپریالیسم، نهضت ملی خلق آذربایجان خطری برای تمام ایران بود. ارتجاع می دانست که روی کار آمدن یک حکومت ملی و مردمی در گوشه یی از خاک ایران پایگاه ارتجاع در سراسر ایران را بشدت متزلزل می کند و جرقه یی خواهد بود برای بیداری همه خلق های تحت ستم و محروم ایران. نهضت آذربایجان در مدت کوتاهی که حکومت ملی را در دست داشت، توانست به دست آوردهای پارزشی نائل گردد و تغییرات مهمی را در زندگی توده های رنج و زحمت این خطه ایجاد کند. رژیم وابسته و استبدادی شاه، تمامی تلاش خود را برای نفی ماهیت عمیقاً ملی و مردمی این جنبش به کار گرفت، و دستگاه های تبلیغاتی رژیم سال ها به سم پاشی پیرامون، نقش و ماهیت فرقه دموکرات آذربایجان که کار هدایت جنبش مردمی در آذربایجان را بر عهده داشت، پرداختند و کوشیدند این حرکت مردمی را «توطئه تجزیه» آذربایجان توسط کمونیست ها معرفی کنند. همان طوری که ما بارها در مقالات گوناگون نیز اشاره کرده ایم امروز با گذشت پنجاه و شش سال آن قدر اسناد و شواهد نیرومند وجود دارد که جای شکی باقی نمی ماند که یورش وحشیانه شاه به نهضت آذربایجان آغازی برای سرکوب وسیع جنبش ملی، با پشتیبانی همه جانبه امپریالیسم، در ایران بود. حتی در همان دوران که نهضت آذربایجان زیر فشار شدید ارتجاع حاکم بود، کنگره ملی آذربایجان با روشنی و قاطعیت اعلام کرد: «خلق ما برای از بین بردن سؤ تفاهمات و افتراات اعلام می دارد که، تعیین سرنوشت به معنای جدا شدن از ایران نیست، و حفظ روابط برادرانه با همه خلق های ایران را وظیفه خود می داند. کنگره ملی برای جلوگیری از اتهامات دشمنان آزادی مبنی بر جدائی آذربایجان از ایران و یا الحاق آن به کشور دیگر را جداً تکذیب می کند. مردم آذربایجان به اصول مشروطیت وفادار مانده و در اجرای مواد دموکراتیک قانون اساسی خواهند کوشید» (آذربایجان شماره های ۲ و ۴ آذرماه ۱۳۲۴).

امروز پس از گذشت پنجاه و شش سال از این جنبش خلق های میهن ما، از جمله خلق آذربایجان، همچنان از حقوق ملی خود محرومند. پنجاه و شش سال پس از ۲۱ آذر ۱۳۲۴، و بیست و سه سال پس از انقلاب شکوهمند بهمین که یکی از اهداف آن آزادی خلق های تحت ستم میهن ما بود و بررغم قول های داده شده توسط رهبران انقلاب هنوز خلق های میهن ما در شرایط دشوار محرومیت و اختناق نتوانسته اند به حقوق ملی خود دست یابند. حزب توده ایران، حل مسأله ملی را در چارچوب به رسمیت شناختن حق خود مختاری خلق های ایران، از جمله مهم ترین وظایف دولت ملی و دموکراتیک آینده می داند. در پنجاه و ششمین سالروز قیام تاریخی خلق آذربایجان، ما ضمن گرامی داشت این جنبش تاریخی - خلقی، به خاطر تابناک و جاودانه شهدای این جنبش که در راه آزادی خلق ها و دموکراسی میهن جان خود را فدا کردند، درود می فرستیم و به مبارزه خود در راه تحقق حقوق ملی خلق های ایران ادامه می دهیم.

ادامه تاملی بر استراتژی و تاکتیک های ...

زمینه بی کمک کند که طومار منفور رژیم «ولایت فقیه» را کلاً در هم بیچد. بر اساس همین ارزیابی بود که رژیم تاکتیک های مختلفی را برای تحقق استراتژی در بالا ذکر شده طرح ریزی و به مرحله اجرا در آورد. چند ماه پیش از برگزاری انتخابات ۱۸ خرداد، تهاجم وسیع امنیتی بر ضد کادرهای برجسته و اساسی نیروهای ملی آغاز شد و طی آن ده ها تن از مبارزان دگراندیش که نقش مهمی در سازمان دهی نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، خصوصاً جنبش دانشجویی بر عهده داشتند، به جرم واهی براندازی دستگیر و روانه شکنجه گاه شدند. در جریان انتخابات جنبش دانشجویی با شدت بی سابقه بی مورد تهاجم قرار گرفت و دستگیری شمار زیادی از فعالان این جنبش ضربات جدی به این بخش متشکل جبهه مردمی اصلاحات وارد آورد.

در کنار سیاست تشدید فشار بر نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات، نیروهای مدافع رژیم استبدادی همچنین فشارهای سیاسی را بر بخش های ضعیف جنبش اصلاح طلبی برای به تسلیم کشاندن این نیروها تشدید کردند. طرح شعار «حفظ امنیت نظام» در مقابل «خطر خارجی»، خصوصاً پس از تحولات ۱۱ سپتامبر در کنار بی سیاستی و بی عملی رهبری جبهه دوم خرداد و ادامه سیاست مخرب «آرامش فعال» که شاید عنوان بهتر برای این سیاست «تسلیم گام به گام» باشد، در مجموع اوضاع مناسبی را برای تحقق تاکتیک های نیروهای مرتجع مهیا کرد. با سرکوب نیروهای ملی - مذهبی و ضربات وارده بر جنبش دانشجویی اکنون نوبت از سر راه برداشتن مجلس شورای اسلامی، رسیده است. ارتجاع که از همان نخستین روزهای تشکیل مجلس ششم با صدور «حکم حکومتی» «ولی فقیه» عملاً مجلس را به مجلسی بی اختیار تبدیل کرده بود، اکنون آماده است گام بعدی را بردارد و با پاکسازی مجلس ششم از هرگونه صدای انتقادی شرایط را برای بازگرداندن مجلسی از نوع مجلس های فرمایشی گذشته آماده کند. مرتجعان حاکم دریافته اند که در نبود استراتژی مشخصی از سوی اصلاح طلبان حکومتی و رشد اختلافات در صفوف این نیروها، که آنها را تا فاجع کامل پیش برده است، شرایط مناسب برای وارد کردن ضربات بعدی فرا رسیده است.

پرونده سازی برای ۶۰ نماینده مجلس با اتکاء به اعترافات که به نظر می رسد روزنامه کیهان و رسالت و شکنجه گران رژیم متن آن را تهیه کرده اند، می تواند زمینه ساز یکسره کردن تکلیف «مجلس اصلاحات» باشد. روزنامه «نوروز»، در مقاله بی در شماره دوشنبه ۱۷ دی ماه، ضمن اشاره به این پرونده سازی ها و مقالات تازه بی که کیهان و رسالت درباره «خطر سر به نیست کردن شهرام جزایری» [لابد از سوی اصلاح طلبان] منتشر کرده اند از جمله نوشت: «با توجه به پخش اطلاعات متعددی از پرونده شهرام جزایری در این روزنامه ها به نظر می رسد که آنان با بازجوها یا دست اندرکاران پرونده نزدیک و ارتباط دارند. بنابراین شاید این سؤال مطرح شود آیا پخش چنین شایعه ای مقدمه انجام آن نیز هست؟» توجه به این پرونده سازی ها اهمیت بیشتری می باید اگر دقت کنیم که در روزهای اخیر شماری از سخنگویان جبهه دوم خرداد از به راه اندازی مجدد گروه های ترور توسط سازمان دهندگان قتل های زنجیره ای در خارج از چارچوب وزارت اطلاعات خبر دادند و نسبت به خطرات چنین عملی هشدار دادند.

حزب ما همان طوری که در ماه های گذشته تأکید کرده است، معتقد است که تنها راه رهایی از بحران کنونی و درهم شکستن سد راه روند اصلاحات در جامعه ما ارتباط مستقیم با سازماندهی و به صحنه آوردن نیروهای اجتماعی مدافع اصلاحات دارد. بدون اتکاء به نیروهای مردمی بدون استفاده از توان توده ها برای سازمان دهی حرکت های وسیع اعتراضی بر ضد ارتجاع حاکم نمی توان هیچ گونه خوشبینی بی به روند تحولات داشت. برخلاف برخی اظهار نظرهای خوش بینانه برخی از «اصلاح طلبان» تسلیم طلب مبنی بر حل مسأله پشت درهای بسته و در دیدارهای «سران سه قوه»، حزب ما اعتقاد عمیق دارد که با ارتجاع حاکم و نیروهای سرکوب گر نمی توان بر سر استقرار آزادی و دموکراسی در ایران به توافق رسید. حق در ایران استبداد زده گرفتاری است و این امر تنها با اراده و حرکت سازمان یافته توده ها ممکن است.

جلوه های شکوهمند همبستگی بین المللی در شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران



پیام حزب کمونیست شیلی به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای محترم

از اینکه سند تاریخ حزب توده ایران را برای ما ارسال کردید بسیار سپاسگزاریم، ما آن را با مراقبت تمام در بایگانی مخصوصی که حاوی پیشینه روابط میان دو حزب است، نگهداری می کنیم. ما برای تاریخ رزم پیگیر شما در راه منافع خلق تان و خلق های منطقه بی که کشورتان در آن قرار دارد و صحنه مقابله مقاومت قهرمانانه شما با منافع جغرافیائی - استراتژیک - سیاسی و اقتصادی امپریالیسم است، ارزش زیادی قائلیم. واضح است که میان شما و ما موضع یگانه بی در رد نویلیرالیسم و جهانی شدن سرمایه داری وجود دارد. و در میان اهداف مان دستیابی به رژیم های دموکراتیک و مدافع حقوق بشر در کشورمان با چشم انداز سوسیالیسم قرار دارد. در رابطه با شرایط کنونی جهان، حزب ما موضع قاطعانه خود را بر ضد جنگ شرم آور و الحاق گرای ایالات متحده که با حمایت متفقین اش در گروه ۸ و ناتو بر ضد خلق افغانستان آغاز گردیده است، ابراز کرده و مردم کشور را به جنبشی فراگیر برای دستیابی به صلح و بر ضد جنگ امپریالیستی فرا خوانده ایم.

رفقای عزیز،

به دلیل تمام این مسائل از شما می خواهیم که دروهای گرم ما را به رهبری حزب تان که در مهرماه امسال شصتمین سالگرد مبارزه خود را به عنوان پرچمدار خلق، زحمتکشان و بخش های مترقی ایران جشن گرفت، ابلاغ کنید. امیدواریم که میان احزاب مان این رابطه منظم مبادله نظر و اطلاعات حفظ گردد. حزب کمونیست شیلی در سومین سه ماهه سال ۲۰۰۲، بیست و دومین کنگره، خود را برگزار خواهد کرد و در چهارم ژوئن همان سال، حزب ما نود ساله خواهد شد. درود برادرانه به شما و به تمام رفقای کمونیست ایرانی.

گلادیس مارین میلی، دبیر کل حزب کمونیست شیلی

پیام حزب کمونیست سوئد به کمیته مرکزی حزب توده ایران
رفقای گرامی:

با گرم ترین درودها شصتمین سالروز بنیانگذاری حزب توده ایران را به شما تبریک گفته و بدین وسیله همبستگی خود را با مبارزات طبقه کارگر ایران در راه آزادی، صلح و عدالت اجتماعی و پیشرفت اعلام می داریم. ما از تاریخ مبارزات بسیار دشوار شما آگاه بوده و نیک می دانیم که اعضای حزب توده ایران، در طی نبرد برای دموکراسی و استقلال، بهای سنگینی را با خون خود پرداخته و قربانیان بسیاری را متحمل گردیده اند.

ما تحت شرایط کنونی اتحاد عمل نیروهای مترقی و دمکراتیک را جهت دستیابی به صلح و بر ضد جنگ جدید امپریالیسم در خاورمیانه امری ضروری می دانیم. می باید قربانیان حادثه اسفناک نیویورک را به قربانیان هیروشیما - ناکازاکی، گرانادا، قربانیان شیلی و نیکاراگوئه، سومین دوره جنگهای بالکان، رواندا، به میلیونها قربانی امپریالیسم اضافه کرد. مبارزات موفقیت آمیز خلقها در مقابله با وحشی گری های امپریالیستی، بر ضد استثمار طبقاتی نه توسط اعمال انتحاری، نه با راندن هوایمما و هدایت مرگ به سوی مردم، بلکه با عمل سیاسی توده بی، مبارزه متحد که به طور موثر با تهاجمات مقابله می کند و قادر به دفاع از دستاوردهایش است، به دست خواهد آمد. همدردی با قربانیان و مردم شرافتمند آمریکا نمی تواند و نباید تبدیل به تأیید و مدارائی نسبت به سیاست دولتی ایالات متحده و دیگر نیروهای امپریالیستی، که دولت تروریستی تشکیل می دهند، گروه های تروریستی را بوجود آورده و آموزش می دهند، گروههای مزدور و جوخه های مرگ را مسلح می کنند، گردد.

در چنین شرایطی، شناسایی آن کسی که عمل تروریستی را رهبری کرده است، بسیار مشکل بنظر می آید. دولت ایالات متحده علاقه بی به مشخص شدن واقعیت ندارد بلکه علاقمند به مسلط کردن بدگمانی بر ضد کشورهای رقیب است، تا حملات و عملیات غیرقانونی جدید توجیه شود. برنامه های آتی ایالات متحده کشورها و مناطق مهم استراتژیکی دیگری مانند افغانستان، عراق و دیگر کشورهای عرب را مورد نظر دارد. در ارتباط با هدف تحت نظارت گرفتن کامل تمام مسیرهای نفتی، عمل به یک سیاست تجاوزکارانه، از یک سو بر ضد روسیه، علیه دولت های دیگری که با از هم پاشیدگی شوروی به وجود آمده اند و از طرف دیگر بر ضد چین مورد توجه امپریالیسم آمریکا است. منطقه خاورمیانه همچنین بعنوان هدف ویژه ای اهمیت خود را حفظ کرده است. ایران سهم بسیار مهمی در این نقشه ها دارد.

حزب کمونیست سوئد در انتهای بیانه خود ضمن محکوم کردن حمله نظامی آمریکا به افغانستان و اشاره به هدفهای استراتژیک امپریالیسم در منطقه نسبت به خطرات آن هشدار جدی داده و در بار دیگر با تأکید مجدد به «نبرد دوش به دوش حزب کمونیست سوئد و حزب توده ایران در مقابله با این ترفندها برای مبارزات قهرمانانه تان آرزوی موفقیت می کند.»

بحران آرژانتین، نتیجه نسخه های صندوق بین المللی پول

سقوط اقتصادی آرژانتین بحران حاد سیاسی اجتماعی وسیعی در کشور ایجاد کرده است. در ماه های چهار بار رئیس جمهوری های کشور مجبور به استعفا شده اند. هفته های اخیر، و با عمیق تر شدن بحران اقتصادی در آرژانتین، صدها هزار نفر از کارگران و زحمتکشان این کشور در اعتراض به سیاست های اقتصادی نولیبرالی حاکم بر آرژانتین، به تظاهرات وسیعی دست زدند. طبق آمار دولت ۵۹ درصد کارگران از این تظاهرات پشتیبانی کردند، در حالیکه سندیکاهای کارگری حضور بیش از ۷۵ درصد کارگران را اعلام داشتند. ده ها تن از زحمتکشان در جریان این تظاهرات کشته شده اند.

رکود اقتصادی آرژانتین، چهارمین سال متوالی خود را پشت سرمی گذارد و بنا به پیش بینی کارشناسان این رکود همچنان در سال آینده نیز ادامه خواهد داشت. میزان تولید در سال آتی بین ۴ تا ۸ درصد تنزل خواهد کرد.

در ماه گذشته دولت آرژانتین از پرداخت اقساط بدهی های خارجی خود که بیش از ۱۳۲ میلیارد دلار است، عاجز ماند و عملاً سقوط اقتصادی کشور را اعلام کرد. بانک های کشور نیز برای جلوگیری از خالی شدن بانک ها، محدودیت ۱۰۰۰ دلار در ماه را برای گرفتن پول از بانک ها اعلام کرده اند.

طبق آمار دولت، سطح بیکاری در کشور برابر با ۱۸ درصد است، در صورتی که طبق آمار اتحادیه های کارگری، بیش از ۵۰ درصد کارگران دچار بیکاری اند. تصمیمات دولت نولیبرال رئیس جمهوری سابق آرژانتین «فرناندو دی لارائو» بر عمق بحران اقتصادی این کشور افزوده است، تصمیماتی که از طرف صندوق بین المللی پول و در ازای پرداخت وام جدید به این کشور دیکته شده است. بر پایه سیاست های دولت، بودجه خدمات عمومی کاهش یافته و بر مالیات های غیرمستقیم افزوده شده است در حالی که هیچ کوششی برای مهار بحران اقتصادی تعمیق شونده سال های اخیر انجام نشده است. دستمزدها و بازنشستگی ۱۳ درصد کاهش داشته اند. این در حالی است که موجودی های نقدی در بیمه های خصوصی، برای بازپرداخت بدهی های خارجی بکار گرفته شده است.

صندوق بین المللی پول، که اهم اصلی اداره آن در دست ایالات متحده است، دولت آرژانتین را تحت فشار قرار داده است تا واحد پولی این کشور (پزو) را به دلار وابسته کند و در نهایت دلار را جایگزین آن کند. (سیاستی که هدف نهایی ایالات متحده برای دیگر کشورهای آمریکای جنوبی و لاتین است) و در غیر این صورت از پرداخت وام جدید جلوگیری خواهد شد.

در ماه گذشته نیز صندوق بین المللی پول به علت عدم اطمینان در مورد کاهش بودجه خدمات عمومی به اندازه کافی، از پرداخت وام ۱/۳ میلیارد دلاری که قبلاً قول آن به این کشور داده شده بود، خودداری کرد.

بحران اقتصادی آرژانتین، نتیجه سیاست نولیبرالیستی دولت های حاکم بر این کشور است که نتیجه بی غیر از بیکاری، فقر، بدهی های خارجی و ورشکستگی اقتصادی

بهمراه نداشته است. کشوری که زمانی پنجمین اقتصاد جهان از نظر وسعت و قدرت به شمار می رفت، در حال حاضر در ردیف بدهکارترین و فقیرترین کشورهای جهان به شمار می رود و روزانه بیش از ۲۰۰۰ نفر از مردم این کشور به زیر خط فقر کشیده می شوند. این بحران سبب شده است تا طی یک ماه گذشته آرژانتین چهارمین رئیس جمهوری را بر مسند قدرت ببیند، تا شاید «بتواند» بر بحران کنونی غلبه کند. اما آنچه که مشخص است، آن است که تنها جابه جایی افراد نمی تواند حلال مشکلات عمیق اقتصادی این کشور باشد و به تغییرات بنیادین سیاسی و اقتصادی در این کشور نیاز است.

این در حالی است که صندوق بین المللی پول مانند همیشه، خود را از وقایعی که بر اثر فرمول بندی های دیکته شده اش ایجاد کرده است، دور نگه می دارد و فجایع انسانی را که به بار آورده است، نادیده می گیرد. عدم لیاقت، اختلاس و فساد در میان سیاستمداران آرژانتینی و نخبانان اقتصادی آن، برای همه شناخته شده است، اما این ها برای صندوق بین المللی پول اهمیتی ندارند. آنچه که مهم است پرداخت بدهی کشور، به هر قیمت است و اینکه چه کسی از آن آسیب می بیند مهم نیست. به طور یقین این فقیرترین قشرهای جامعه هستند که باید بهای سنگین خیانت ها و جنایت های اقتصادی دولت های ضد مردمی را بپردازند.

آنچه در آرژانتین می گذرد آئینه تمام نمایی از سرنوشت محتوم کشورهایی است که گردن به احکام صندوق بین المللی پول گذاشته اند و با اتخاذ سیاست های «بازار آزاد» تعمداً دست های خود را برای اتخاذ سیاست های مناسب در کنترل بحران می بندند. بحران آرژانتین نمایشی از مشخصه های عمده سیستم اقتصادی غیر عادلانه موجود در جهان است که تحت کنترل کمپانی های انحصاری و کشورهای پیشرفته سرمایه داری، فقر و بحران را نصیب زحمتکشان جهان می کند. سیستمی که هر روز بیشتر از گذشته موج جدیدی از خلق ها را به سوی فقر و بیچارگی می کشاند.

بیانیه حزب کمونیست آرژانتین

در رابطه با بحران اخیر حزب کمونیست آرژانتین بیانیه ای را منتشر کرده است که در ادامه جستارهایی از آن در زیر می آید.

«بحرانی که با آن دست به گریبانیم، آخرین صحنه سلسله شکستهای سیاست «تعدیل ساختاری» مداوم و اختناقی است که نظامیان کودتاجی در سال ۱۹۷۶ آغاز کرده و توسط دولتهای حاکم پس از ۱۹۸۳ ادامه یافت.» «حزب کمونیست آرژانتین در اتحادیه چپ، پیشنهاد همکاری با همه نیروهای سیاسی و اجتماعی چپ برای مبارزه مشترک حول موارد زیر و ارائه آن به مجلس قانونگذاری را دارد:

۱ - نوسازی کامل سیستم سیاسی آرژانتین ظرف ۹۰ روز، از طریق انتخاب رئیس جمهوری و معاونش، استاندانداران و معاونانش، تمام مجالس قانونگذاری استانها و شهرداریها

۲ - فراخوان همزمان انتخابات نمایندگان پارلمان مدافع اصلاحات سیستم سیاسی، تحت اصولی که چپ متحد پیشنهاد می کند:

الف) گسترش نمایندگی مردمی با معیار یک نماینده برای هر ۲۰ هزار رأی

ب) کاهش هزینه امور سیاسی با تعیین مقدار ثابت دستمزد برای قانونگذاران و کارمندان، بطوری که در هیچ صورتی از دستمزد یک معلم با سابقه ۲۰ ساله بیشتر نباشد.

ج) تعلیق هر رهبر سیاسی که از وعده های انتخاباتی - که باید به طور کنینی آن را معرفی کرده و به ثبت برساند - عدول کند. همه آنها باید هر سه ماه پاسخگویی وعده های خود باشند.

د) حذف رژیم مبنی بر انتخاب مستقیم رئیس جمهور (مثل ایران یا ایالات متحده) و جایگزینی آن با سیستم پارلمانی یگانه (یعنی حذف مجلس سنا، و انتخاب رئیس جمهور از طریق پارلمان)

۳ - برای حل بحران وخیم کنونی پیشنهاد می کنیم که:

الف - بدهی های خارجی پرداخت نگردد
ب - ملی کردن بانکها و تجارت خارجی
پ - افزایش حداقل دستمزد برابر با هزینه یک خانواده

ج - برقراری مالیات فوری به گروههای بزرگ اقتصادی، شرکت های خصوصی شده و سرمایه های تجاری

چ - ملی کردن دوباره شرکتها که توسط رئیس جمهوری سابق منم خصوصی گردیده.

ح - اعلام وضعیت فوق العاده و تأمین بودجه برای ایجاد غذاخوری های عمومی در تمام مدارس دولتی

خ - دادن اعتبار و بخشودگی بدهی به تولیدکنندگان کوچک شهر و روستا

زمان، زمان، چپ است، تشکیل یک نیروی واقعی جایگزین برای رهائی ملی، بازتوزیع ثروت، عدالت اجتماعی و دموکراسی واقعی ضروری است. سوسیالیسم یگانه راه حل بحران کنونی آرژانتین است.»

وقتی قانون

پایمال می شود!

پس از حوادث تروریستی یازده سپتامبر در ایالات متحده و پیامدهای آن در جهان و از جمله در اروپا اینک ما شاهد آن هستیم که به نام تأمین امنیت و مبارزه بر ضد تروریسم جهانی سازمان های اطلاعاتی و امنیتی بر دامنه فعالیت های خود افزوده اند. طرح ها و لوایحی که حقوق و آزادی های دموکراتیک فردی و اجتماعی شهروندان را محدود می سازد، پوششی ظاهراً قانونی به این اقدامات می دهند.

در کشور دانمارک دو سازمان اطلاعاتی یعنی پلیس امنیتی (PET) و سازمان اطلاعات و ضد اطلاعات ارتش (FET) از فردای حوادث تروریستی در نیویورک به اقدامات بسیار مخرب دست یازیده اند. این دو سازمان اطلاعاتی در تاریخ دانمارک سابقه بی «روشن» دارند و اقدامات غیرقانونی و فراقانونی آن ها برضد نیروهای مترقی و چپ در طول پنجاه سال گذشته و به ویژه طی دهه ۹۰ میلادی در همکاری با سازمان سیا امری پنهان نیست. رسوایی این سازمان های اطلاعاتی کم نیست. تعقیب و

کشورهای آمریکای لاتین و دریای کارائیب، در مقابل وظایف گسترده

بررسی دهمین نشست عمومی «سائوپاولو» با شرکت نزدیک به ۴۰۰ نماینده از ۹۴ حزب و سازمان سیاسی

همان طوری که طرح «تجارت آزاد مناطق آمریکا» ابتکار استراتژیک ایالات متحده آمریکا برای گسترش و نهادینه کردن تسلط خود در سراسر منطقه قاره آمریکا است، پایه گذاری «گردهمایی عمومی سائوپولو» بیش از ده سال پیش، تلاشی از سوی نیروهای چپ کشورهای آمریکای لاتین و دریای کارائیب برای آغاز یک مرحله ضروری تحلیل، تحقیق و ساختن و پرداختن جمعی به مسایل جنبش می باشد. این مقایسه، بخشی از سخنان خوزه رامون بالاگوئر، عضو هیئت سیاسی و مسئول بخش روابط بین المللی حزب کمونیست کوبا، در ارائه ارزیابی تاریخی از جنبش بود که در مراسم گشایش دهمین «گردهمایی عمومی سائوپولو» در حضور فیدل کاسترو دبیر اول حزب، ارائه شد. گردهمایی اخیر در شهر هاوانا، پایتخت کوبا، پذیرای شرکت ۴۰۰ نماینده از ۹۴ سازمان و حزب سیاسی و همچنین نمایندگان از کشورهای کانادا و ایالات متحده آمریکا و اروپا بود. در دوره پس از ایجاد «گردهمایی عمومی سائوپولو» در سال ۱۹۹۰ در سائوپولو، برزیل، این دومین بار است که حزب کمونیست کوبا میزبانی آن را عهده دار می شود (اولین بار در سال ۱۹۹۳).

بالاگوئر رضایت خود را از حضور وسیع نمایندگان احزاب، سازمان ها و شخصیت های از سراسر جهان که پیوند های همبستگی و برادری آن ها را به هم مربوط می کند، ابراز کرد. او از شرکت وسیع میهمانان که با هموار کردن زحمت مسافرت از راه های دور در اجلاس حضور یافته بودند، «گردهمایی» را نتیجه قوی تر شدن نیروهای با منافع و اهداف مشترک دانست که در طیف وسیع نیروهای سیاسی و اجتماعی در سراسر جهان، جنبش بین المللی بر ضد سیاست نولیبرالی «جهانی شدن»، و به ویژه «گردهمایی اجتماعی جهانی» تبلور یافته اند.

رفیق کوبائی هم چنین دلیل دیگر این حضور توده ای را به رسمیت شناخته شدن این حقیقت دانست که نیروهای چپ در آمریکای لاتین و دریای کارائیب تجربه بی را که ثمرات قابل ملاحظه و نتایج عینی مثبت، سازنده و کاملاً نوین داشته است، به پیش می برند. او تاکید کرد که این اجلاس معیار های جمعی خود را برای ارزیابی پدیده های دگرگون ساز در وضعیت جهانی تعیین کرده است، و تاریخی دارد که از تجارب آن برای بهبود کارکردش بهره می گیرد. او اظهار داشت «ما اطمینان داریم که ظرفیت درک دگرذیسی مبارزات خلقی و شناسایی کمبود ها به ما اجازه خواهد داد تا به طرح وظایف عظیم تری، آن طوری که اوضاع جاری در جهان مطالبه می کند بپردازیم. گردهمایی سائوپولو در عملکرد تاریخی اش توانسته است در دفع دو تقیصه موفق باشد که نخستین آن ها موردی کهنه و دیگری جدیدتر است. نخستین مورد، مقاومت در برابر وسوسه های تبدیل شدن به یک سازمان سیاسی سنتی فرا ملی با رهنمود های از پیش تدوین یافته است.

ادعان داشتن به نقش تعیین کننده احزاب سیاسی چپ در پیشاهنگی مبارزات خلقی دومین مورد است. رفیق بالاگوئر در طرح بندی نکات تاریخی، اظهار داشت که متاسفانه عملیات غم انگیز و روش انزجار انگیز تروریستی در نیویورک، درستی یکی از نتایج اجلاس سائوپولو را تأیید کرد: تعداد انگشت شماری از قدرت های بزرگ نمی توانند همه ثروت، دست آورد ها، فن آوری ها، فرهنگ، آموزش و بهداشت همگانی را منحصر به خود کنند و در عین حال از گزند و واکنش در مقابل پی آمدهای تک قطبی شدن سیاسی، اقتصادی و

اجتماعی این فرایند در سراسر جهان مصون بمانند.

ویلیام کارنل پیر، عضو «کمیته هماهنگی مبارزه هائیتی»، به نمایندگی از کشورهای منطقه دریای کارائیب صحبت کرد. او گفت وحدت و یکپارچگی تنها پاسخ درست به سیاست های کلان اقتصادی نولیبرالیستی است که به کشورهای منطقه تحمیل شده است. او هم چنین گفت: «بیائید همگی با یک صدا محاصره اقتصادی کوبا را محکوم کنیم و برای همیشه این نمونه رسوایی را از بین ببریم.»

خانم آلیا مالدونادو، دبیر اول اتحادیه ملی انقلابی از کشور گواتمالا، به ارزیابی مسائل آمریکای مرکزی پرداخت. او معتقد بود که چنین تبدلات نظری، فرصت نادری برای مبارزه با نولیبرالیسم اقتصادی است. او از قطع امید کردن مردم از نهاد های دولتی در نتیجه وجود فساد و بی عملی دولت ها در مقابله با فساد و تنبیه جنایت های عوامل دست نشاندۀ شان سخن گفت. و این نظریه را که طرح «تجارت آزاد در مناطق آمریکا» که حربه بی بر ضد خلق ها و مردم بومی منطقه است، تصدیق کرد.

هایمه کالسدو، دبیر اول حزب کمونیست کلمبیا که از طرف کشورهای منطقه کوهستان های «آندی آن» صحبت می کرد به چند لایه بودن طرح «تجارت آزاد در مناطق آمریکا» اشاره کرد و گفت این طرح شامل «برنامه برای کلمبیا»، محاصره کوبا، دلاریزه کردن و شرایط غم انگیز مردم آرژانتین و نمونه های دیگر است. او در مورد تهدیدات اخیر ایالات متحده آمریکا برای مداخلات نظامی جمعی در منطقه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر هشدار داد. لوئیس ایناسیو «لولا» دوسیلوا، دبیر اول حزب کارگران برزیل، یکی از پایه گذاران «گردهمایی سائوپولو» در ده سال پیش، اظهار داشت: «زمانی که ما این گردهمایی را تشکیل دادیم سیاست نولیبرالیسم در اوج قدرت بود و ایستادن در مقابل خصوصی سازی و نظریه کاستن نقش دولت آن طوری که خواست کشورهای ثروتمند بود، عملاً غیرممکن بود. محصول ۱۱ سال گذشته فقرزدگی فزاینده در آرژانتین، پرو، برزیل و مکزیک، کشورهای است که به عنوان فرزندان طلایی مدل نولیبرالیسیون شناسانده شده بودند. دسیلوا اظهار داشت که اجلاس به بدون تاکید دوباره بر امر ضرورت تقویت دوباره دیدگاه های چپ در رابطه با صلح، نمی تواند، به پایان برسد. او اضافه کرد: «ما یا تروریسم موافقت نداریم، لیکن نمی خواهیم تحمیل تروریسم دولتی را، بدون رعایت احکام پایه ای منشور سازمان ملل متحد، زیر نام مبارزه با تروریسم، بپذیریم.»

بر گرفته از نشریه «گرانما»،

نشریه حزب کمونیست کوبا

کمک های مالی رسیده

محمد و آرش از آلمان به مناسبت شصتمین سالگرد حزب
توده ایران ۵۰۰ مارک
«به امید تشکیل جبهه واحد» از انگلستان ۱۰۰ پوند

آدرس ها: لفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 625
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

8 January 2002

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک